

مسکن به عنوان یک دارایی، یا مسکن به عنوان حق شهروندی؛ مسئله مهم انسان ایرانی

مسکن، رویایی که مدام دور و دور تر می شود

نسبت میان در آمد متوسط سالانه خانوار ها و هزینه مسکن در کشور، حدود ۱۰ برابر است که در میان دهک های کم در آمد، به ۳۰ برابر نیز می رسد. این در حالی است که عموماً در کشور های دیگر، این میزان بین ۵ تا ۶ برابر در آمد سالانه خانوار است. این امر حاکی از آن است که در جامعه فعلی ما، خانواده مجبور است از سایر هزینه های خود برای تأمین مسکن بگذرد و بدین ترتیب اجاره نشینی به تله ای برای او بدل می شود.



آذر فخری، روزنامه نگار

بسیاری از ما، اجاره نشینی را تجربه کرده ایم، یا هنوز در حال تجربه کردن آن هستیم، در حالی که همواره آرزو روایی خانه دار شدن را در سر می پرورانیم. اما این رویا، بار و رند اقتصادی چند سال اخیر، و حتی با انبوه سازی های فراوانی که تحت عناوین مختلف اتفاق افتاده، برای بسیاری محقق نشده و شاید هرگز نشود. مشکل اجاره نشینی در جامعه ما، تنها یک مشکل اجتماعی نیست، بلکه تبعات فرهنگی و اقتصادی خاصی نیز به همراه خود دارد؛ فرد اجاره نشین، تا زمانی که خانه نداشته نباشد، احساس هویت نمی کند؛ خانه داشتن، به انسان ایرانی، تشخیص می دهد و موجب به رسمیت شناخته شدن او از سوی جامعه می شود. بنابراین علاوه بر تمام مشکلات اقتصادی روز افزونی که اجاره نشینی و جا به جایی های متعدد دارد، افراد خانواده اجاره نشین دچار اضطرابی دائمی هستند؛ آنان مدام نگران افزایش قیمت اجاره بها، در خواست های به جا و نابه جای صاحب ملک هستند. یکی دیگر از مشکلات خانه به دوشی که معمولاً کمتر مورد توجه قرار می گیرد، آسیب دیدگی و استهلاک وسایل زندگی مستاجران حین اسباب کشی است.

مستاجران هر سال هنگام نقل و انتقال مسکن، بخش زیادی از اموال و اسباب زندگی خود را به دلیل شرایط سخت جابه جایی از دست می دهند. این نوع آسیب ها در جابه جایی وسایل میان طبقات مختلف واحدهای آپارتمانی و به ویژه واحدهایی که پلکان آن ها عرض نامناسب دارد، بیشتر اتفاق می افتد. برای ما ایرانیان، خانه داشتن، ارزش مهمی دارد؛ این ارزش، چنان اساسی و بنیادی است که به نوعی از «هویت» تبدیل شده است؛ خانواده ای که خانه ای از خود نداشته باشد، همواره احساس بی هویتی و کسر شان می کند. کارشناسان می گویند: بیشتر ایرانیان برای رسیدن به هویتی مستقل، تلاش می کنند به هر ترتیبی که شده خانه ای بخرند؛ دکتر علیرضا امامی جامعه شناس و مدرس دانشگاه اعتقاد دارد بخشی از کاهش گسترده خانوار ها در بافت اجتماعی ایران معاصر، مرهون ارزش هویتی مسکن مستقل در میان مردم است. خانه اجاره ای حتی اگر مستقل باشد، ساکنان آن، احساس هویت نمی کنند، زیرا به آنان احساس قدرت مالکیت نمی دهد، ضمن آن که امکان تهدید استقلال آن از سوی مالک اصلی، وجود دارد. بنابراین، مستاجران برای تضمین استقلال هویتی خود، به خرید خانه گرایش دارند. این جامعه شناس می گوید نکته مهم

دیگر این است که اجاره نشینی در ایران به لحاظ مدت قرار داد اجاره، با سایر نقاط دنیا تفاوتی یزگ دارد. اغلب قرار دادهای اجاره مسکن در ایران برخلاف سایر نقاط دنیا که طولی مدت است، دوره ای کوتاه مدت دارند و برای مدت یک سال منعقد می شوند که معمولاً پس از اقبضای این مهلت، مستاجر به دلیل تغییر قیمت اجاره بها یا به خواست موجر، ناچار به تخلیه واحد مسکونی است.

عظم خاتم مدیر گروه جامعه شناسی شهرانجمن جامعه شناسی ایران، درباره بحران مسکن معتقد است: ویژگی بحرانی که مالکین در حوزه مسکن با آن مواجهیم، بحران کمبود تولید نیست و همه مطالعات و اسناد حکایت از آن دارند که طی چند سال اخیر روند رو به رشدی در این حوزه داشته ایم. در واقع می توان گفت که در شرایط کنونی، اگر چه تراکم خانوار ها در واحدهای مسکونی حاکی از کمبودهایی در این زمینه است، ولی توان بالای تولید مسکن در کشور به ویژه طی سال های اخیر، می توانست نوبت بخش غلبه سریع بر این وضعیت باشد. حال آنکه در شرایط موجود، توزیع مسکن به نجومی است؛ در جهت استفاده گروه های کم در آمد صورت نگرفته و این مسأله موجب بروز بحران هایی مانند بحران حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی شده است. خاتم چنین ادامه می دهد: در

تهران، حداقل ۴۵ درصد از خانه ها بدون این که کسی از آن ها استفاده کند، دست به دست می شوند و این امر نشان می دهد که بخشی از تولید مسکن به نحو شایسته ای وارد چرخه مصرف نمی شود. از سوی دیگر، نسبت میان در آمد متوسط سالانه خانوار ها و هزینه مسکن در کشور، حدود ۱۰ برابر است که در میان دهک های کم در آمد، به ۳۰ برابر نیز می رسد. این در حالی است که عموماً در کشور های دیگر، این میزان بین ۵ تا ۶ برابر در آمد سالانه خانوار است. این امر حاکی از آن است که در جامعه فعلی ما، خانواده مجبور است از سایر هزینه های خود برای تأمین مسکن بگذرد و بدین ترتیب اجاره نشینی به تله ای برای او بدل می شود. زیرا توان پس انداز آن ها را محدود می کند و به این وسیله موجب کاهش شدید توان خرید این خانواده ها می شود. گروه های شاغل در مشاغل غیر رسمی، خانواده های جوان و خانواده های تحت سرپرستی زنان که نمی توانند به خوبی از امکانات دولتی در این خصوص استفاده کنند، در این اوضاع بیشترین آسیب را می بینند.

مسکن حقوقی اجتماعی است

کمال اطهار ی اقتصاددان و پژوهشگر آزاد در حوزه مسائل اقتصاد شهری و مسکن تصریح می کند: جامعه در حال توسعه مابیش از هر چیز نیازمند «تولید و مصرف انبوه» و نه فقط «تولید انبوه» است؛ چرا که به طور کلی در اقتصاد سیستم سرمایه داری، اگر تولید انبوه به صورت یک طرفه باشد، پایدار نمانده و چرخه بازر و سرمایه داری کامل نخواهد شد. از سوی دیگر، از آن جا که سیستم اقتصادی در حال حاضر دچار مغلمه ناکار آمدی است؛ اقتصاد کشور را در بسیاری از بخش ها چرخه به بخش مسکن با بحران مواجه کرده است. از این باب می توان گفت که چنین سیستمی حق شهروندی را نسبت به مسکن برآورده نمی کند. علاوه بر این، با وجود آن که حتی در سیستم های صنعتی در دوران تولید مصرف انبوه، مسکن به عنوان یک «حق اجتماعی» شناخته می شود، این حق در جامعه ما برآورده نمی شود. حال آن که در دوران پساصنعتی، بحث حقوق انسان به شهر مطرح است؛ بدین معنا که «شهر» اثر کار انسان و مربوط به کل جامعه است و باید نیاز به فضای عمومی، فضای کار مناسب و محل زندگی مناسب را برای انسان تأمین کند و اگر این حداقل فراهم نشود، حق انسان به شهر تأمین نشده است. سیاست های کنونی مسکن در ایران، در جهت سلب «حق انسان به

افراد خانواده اجاره نشین دچار اضطرابی دائمی هستند؛ آنان مدام نگران افزایش قیمت اجاره بها، در خواست های به جا و نابه جای صاحب ملک هستند. یکی دیگر از مشکلات خانه به دوشی که معمولاً کمتر مورد توجه قرار می گیرد، آسیب دیدگی و استهلاک وسایل زندگی مستاجران حین اسباب کشی است

شهر» و «حق انسان به مسکن» پیش می روند: اگر نسبت بهای مسکن به در آمد متوسط خانوار از پنج برابر تجاوز کند، می توان گفت که در بازار مسکن، امکان تحقق حق انسان به مسکن وجود ندارد. محاسبات نشان می دهند که پیش از انقلاب، نسبت بهای متوسط مسکن به در آمد خانوار، حدود چهار برابر بود. در آن زمان به ویژه در دهه پنجاه شاهد تولید مسکن به سمت انبوه سازی بودیم که طی آن، شهر ک هایی مانند اکباتان و آپادانا به وجود آمدند و بورژوازی مستغلات مسکن را به صورت انبوه برای «مصرف» و نه برای «دارایی» عرضه می کرد. به همین دلیل بهای متوسط مسکن در حد خانوار ها بود و چیزی که به عنوان حاشیه نشینی در آن زمان شکل می گرفت، نهایتاً در شهری مثل تهران و آن هم، کمتر از دو تا سه درصد بود. با این همه مردم به دنبال حق مسکن بودند و آن را در قانون اساسی وارد کردند. در آن زمان، انبوه سازی به صورت شهر سازی انجام می شد و دولت هزینه های زیربنایی آن را می پرداخت. اطهار ی می گوید: در دوره دوم، یعنی بعد از انقلاب، انبوه سازی به معنای صنعتی آن از دور خارج شد، اما تولید انبوه مسکن به وسیله خود مردم در داخل شهر ها صورت می گرفت. در این زمان، بهای مسکن به دلیل کاهش قیمت های جاری آن، به حدود سه برابر در آمد سالانه خانوار رسید و حق به مسکن و هم حق به شهر برای بخش عظیمی از جامعه تأمین شد؛ زیرا به یک باره به مردم اجازه داده شد که به محدوده شهر ها بیایند و این باعث شد رشد مساحت شهر ها دو برابر جمعیت آن ها شود. در اثر این شهروند زایی از کم در آمدها در سیاست های شهری و مسکن، گسترش حاشیه نشینی اتفاق افتاد.

اخبار اجتماعی

افزایش مستمر شاخص اهدای عضو در ایران

رییس مرکز مدیریت پیوند و درمان بیماری های وزارت بهداشت، گفت: پیوند کلیه در ایران در سال ۲۰۱۷ به بیشترین آمار پیوند از فرد مرگ مغزی یعنی به میزان ۶۰ درصد رسیده است. مهدی شادنوش اظهار داشت: شاخص اهدای عضو ایران (PMP) در ۱۸ سال گذشته افزایش مستمر و قابل توجهی داشته و اکنون به بیش از ۱۱۵ رسیده است. گرچه تا رسیدن به حد مطلوب جهانی که ۲۵ است، راه طولانی در پیش داریم. رییس مرکز مدیریت پیوند وزارت بهداشت با اشاره به گستره فعالیت های مرکز مدیریت پیوند وزارت بهداشت، تأکید کرد: حمایت طلبی و مشارکت سمن ها در فعالیت های این حوزه از سیاست های کنونی دولت است و از همین رو فعالیت هایی از قبیل آموزش تیم ها، مدد کاری، انتقال هوایی و فرهنگ سازی در تفاهم نامه ای به انجمن اهدای عضو ایرانیان که در سال ۹۴ فعالیت های خود را با حضور افراد متخصص و با تجربه آغاز کردند، واگذار شده است. شادنوش در ادامه به برنامه های آینده کشور در زمینه اهدای عضو اشاره کرد و افزود: ارتقای سطح کیفی واحدهای فراهم آوری اعضا و نوسنج پیوندی، ایجاد یک سیستم جامع رجیستری و تخصصی، ایجاد ساز و کار انتقال هوایی ارگان، ارتقای برنامه های آموزشی مدیریتی واحدهای فراهم آوری، ایجاد پرونده های الکترونیکی برای خانواده های اهدا کننده جهت حمایت معنوی و مادی، طراحی یک سیستم پیشرفته و فراگیر نظارت، بازرسی و کنترل کیفی از جمله بر نامه های آینده کشور در زمینه اهدای عضو است.

هزینه درمان ۶۵ ساله ها ۳ برابر افراد عادی



وزیر بهداشت گفت: برآوردهای ما در سه سال گذشته نشان می دهد هزینه درمان ۶۵ ساله ها در ایران تقریباً سه برابر افراد عادی است. وزیر بهداشت تصریح کرد: اگر برای آن هایی که در سال های ۹۵، ۹۶ و ۹۷ متولد شده اند، عمری حدود ۹۰ تا ۹۵ سال در نظر بگیریم، پس در آینده با جمعیت سالمندی بیشتری مواجه خواهیم بود. او ادامه داد: باید اثرات ناشی از سالمندی و تحقیق روی آن را در دستور کار خود قرار دهیم و تجربه و برنامه ریزی کنیم. برای دستیابی به این هدف ایجاد زیر ساخت های اقتصادی، اجتماعی، شهری و تلاش برای افزایش توانمندی های مورد نیاز سالمندان و افرادی که رو به سالمندی هستند بسیار مهم و ضروری است. همه کشور ها نیازمند سیاست های شفاف در این زمینه هستند. وی افزود: وزارت بهداشت برای بیش از ۷ میلیون سالمند در هر سطحی خدمات سلامتی ارائه می دهد. ۹۴ درصد سالمندان کشور مایه هستند.

بانوان در حصار ۳۰ درصدی

زنان گوی سبقت حضور و نقش آفرینی در اکثر عرصه ها به ویژه عرصه سیاست را از مردان ربوده اند. این قشر جامعه که سال های قبل تنها در خانه داری تعریف می شدند، اکنون پایه پای مردان در مجلس، دولت، احزاب سیاسی و نهادهای اجتماعی و اقتصادی فعال هستند. اکنون نمایندگان زن در مجلس در بیان خواست جامعه از صراحت بیشتری برخوردار هستند و علاوه بر میزان فعالیت بالایی که دارند، بیش از سایر ساکنان پاستور مانند وزرا با مردم جامعه ارتباط دارند و به میان آن ها می روند. فاطمه ذوالقدر نماینده مجلس می گوید: چه در زمان معرفی وزرا در ابتدای دولت دوازدهم و چه امروز به رئیس جمهور نامه نوشتیم حال که وزیر معرفی می شوند این حق نیمی از جامعه است که از بین آن ها و زیر پر انتخاب شود. آقایان آزمون و خطای خود را پس داده اند و حالا نوبت خانم ها است که برای وزارت معرفی شوند؛ زیرا آن ها نشان داده اند که چه مدیران، کارشناسان و اندیشمندان قدرتمندی هستند. اکنون به نظر می رسد با توجه به نقش آفرینی بالای زنان اصلاح طلب در تمام عرصه ها باید آنان را از «۳۰ درصدی» خارج کرد. نکته قابل تأمل تر آن که اثر گذاری مردان در تهیه لیست های انتخاباتی بسیار پررنگ تر از زنان است و وقت زنان در این هنگامه صرف تلاش برای حضور در سهمیه ۳۰ درصدی می شود تا تلاش برای تعیین لیست.

می دهند. به همین ترتیب سردی عاطفی در روابط زناشویی و والد-فرزندی شکل می گیرد که منجر به سست شدن روابط بین فردی صمیمانه افراد با یکدیگر می شود؛ کم رنگ شدن تفاهم، صمیمیت و همدلی اعضا به هم تنها بخشی از آسیب های وارد شده بر هسته خانواده می باشد؛ بنابراین چنین خانواده ای ممکن است با بروز یک تلنگر و یا یک بحران تا مرز از هم پاشیدگی پیش برود که طلاق قانونی و یا طلاق عاطفی یکی از پیامدهای منفی وجود اختلافات ارتباطی میان اعضا محسوب می شود. باتوجه به مطالب مطرح شده بطور خلاصه می توان گفت والدین برای داشتن یک خانواده سالم، متعادل و بهنجار باید فضایی را در جهت افزایش هر چه بیشتر تعاملات و ارتباطات صمیمانه اعضا با یکدیگر فراهم آورند تا به این ترتیب افراد بتوانند از طریق گفت و گو و تبادل اطلاعات در جوی گرم و دوستانه از همنشینی با یکدیگر نهایت لذت کسب نمایند. از اینرو به عنوان نکته آخر به پسران و مادران توصیه می شود برای بهبود روابط خانوادگی و همچنین فراگیری مهارت های ارتباطی موثر تر حتماً از اهرم های روانشناسان و متخصصان مجرب استفاده نمایند تا همواره مرز عه زنگانی آنان سرسبز و خرم باشد.

حیاتی خود را که کمک به رشد و تعالی اعضای آن می باشد از دست داده است؛ به همین علت است که امروزه، پدیده «بحران سکوت» به عنوان یک معضل اجتماعی به شدت خانواده ها را مورد تهدید قرار داده و کمرب فروپاشی بنیان آن بسته است. از منظر آسیب شناسی می توان گفت هنگامیکه جامعه شرایطی را بر والدین تحمیل می کند که آنها مجبورند تا پاسی از شب، برای تهیه مخارج زندگی مشغول کسب درآمد باشند، دیگر رمقی برای این عزیزان باقی نمی ماند که بخواهند زمانی را با همسر و فرزندان خویش وقت بگذرانند. در چنین موقعیتی خانواده ای را می بینیم که شاید گهگاهی به بهانه تماشای تلویزیون دور یکدیگر جمع می شوند که در این فضا هم تنها متکلم و حده همان قاب شیشه ای خواهد بود که یک و تنها افراد خانواده را بالا جبار کنار یکدیگر جمع کرده است؛ خانواده ای که فقط به صورت فیزیکی در کنار هم هستند و به لحاظ ذهنی- روانی هر کدام در دنیای خودشان سیر می کنند، نکته جالب تر آن است که بعضاً در همین دوره می های گاهوبیگاه هم شاهد سرهای فرو رفته در گوشی هستیم که هم سخنی با دوستان مجازی در صفحات اجتماعی را به در کنار خانواده بودن ترجیح

چنین شرایطی که هیچ یک از اعضای خانواده در اندیشه ایجاد زمانی خاص برای گفتگو نیستند، دیگر نیاز به صحبت کردن و معاشرت به عنوان یک فرآیند طبیعی و ضروری در ساختار زندگی این خانواده احساس نمی شود که لازم باشد برای آن معنا، مفهوم و فرصتی ویژه ایجاد شود. در حقیقت کم رنگ شدن روابط میان اعضای خانواده یکی از مسائل مهمی است که نارسایی ها و تبعات جبران ناپذیری و بنیادی را برای نظام خانواده به همراه دارد. به همین ترتیب در چنین خانواده ای راه برای ورود بسیاری از آسیب ها و معضلات اجتماعی همچون سست شدن بنیان خانواده، گسترش شکاف نسلی، کم رنگ شدن صمیمیت میان اعضا، طلاق های عاطفی و همچنین کاهش نرخ ازدواج هموار می شود. براساس تحقیقات و پژوهش های انجام شده روانشناسان معتقدند در دوران حاضر دنیای درونی خویش با مشغولیت ذهنی مربوط به گرفتاری های خاص خود درگیر باشند. در

اینکه هر یک از افراد در طول شبانه روز چه مدت زمانی را برای وقت گذاری باهم صرف می کنند در زمره مسائلی است که در سال های اخیر نسبت به آن هشدار های بسیاری داده شده است. در عصر حاضر با توجه به نوسانات اقتصادی حاکم بر فضای جامعه، خانواده های امروز ایرانی از خانواده متعادل و بهنجاری که باید هسته اولیه و اصلی جامعه سالم و روبه رشد را تشکیل دهد، فاصله زیادی گرفته است؛ در موقعیت فعلی هر دو والد در خانواده مجبور هستند برای تأمین مایحتاج اولیه و گذراندن معیشت فرزندان ساعات طولانی از روز را خارج از خانه و بدور از یکدیگر سپری کنند. از اینرو اشتغال طولانی مدت والدین سبب می شود به رغم آنکه به لحاظ فیزیکی در زیر یک سقف زندگی می کنند، به لحاظ عاطفی و معنوی فرسنگ ها از همدیگر دور باشند و هر کدام در دنیای درونی خویش با مشغولیت ذهنی مربوط به گرفتاری های خاص خود درگیر باشند. در



فاطمه نایم، دکترای روانشناسی عمومی

امروزه با توجه به آنکه نظاره گر نابه سامانی هایی در بخش های اقتصادی و سیاسی کشور هستیم، تازه ترین پژوهش های حوزه اجتماعی نیز از خبر های ناخوشایند موجود در بستر خانواده و ارتباطات اعضا با یکدیگر پرده برداری کردند. در همین راستا بررسی های انجام شده در حوزه اجتماع های خانوادگی از کاهش میزان گفت و گو در بین اعضای خانواده های ایرانی خبر داده که بطور متوسط مقدار صحبت رد و بدل شده میان افراد از ۲۰ ساعت به ۲ دقیقه در طول شبانه روز تقلیل پیدا کرده است. در واقع در روزگار حاضر بدلیل شرایط سخت معیشتی که خانواده ها با آن دست به گریبان هستند، ظهور پدیده «بحران سکوت» در میان فضای خانوادگی خیلی هم پدیده ای عجیب و دور از ذهن تلقی نمی شود؛

سکوت سهمگین دنیای دیجیتال مرگبار است

عصر ارتباطات دروغی بیش نیست